روزگار یک داوطلب

برپا... برجای زخم و زجر

شارمین میمندی‌نژاد
مؤسس جمعیت امام علی

● نه؛ این صـورت ریخته یک تراژدی یونانی در ۵۰۰ سـال پیش از میلاد مسیح نیسـت. واقعیت زندگی پری‌گُل سه‌ساله است به روایت عجز و درماندگی ما.

نیمه‌های شب مادرش به ما زنگ زد که «کمکم کنیـد، درد امانِ دختـر کوچکم را بُریـده». ریزه‌بانو دختری ۱۷سـالَه خُرده و نحیف که در ۱۲سالگی به ازدواج با مرد معتاد میانسـالی درآمده و حاصل این ازدواج، دو کودک، یکی بارِی که اینک بر شکم است و دیگری پری‌گُل، دخترکی زیبا. پدر جنون‌زده از مواد و اعتیاد در خانه نیست. به خاطر همین است که در امنیـت نبود او، ریزه‌بانو به ما زنگ زده تا بالای سـر دخترکش برویم. در دسـت مادر شیشه شیری است کـه در آن چای و نبات و سـوخته تریـاک می‌ریزند، نشـان‌دهنده درمـانِ دم‌به‌دمـی کـه در خانه‌های افیون‌زده برای کودکان تجویز می‌شود. مادر می‌گوید پری‌گُل نمی‌تواند روی پایش بایسـتد. نگاه می‌کنیم. هیچ ایرادی در سرانگشت پای لطیف و زیبای کودک نیسـت؛ اما وقتی او را بر پا می‌ایستانیم، ناله‌اش به هـوا می‌رود و صـورت نمکین سـبزه‌اش از درد به هـم می‌پیچد و عـرق، موهایش را به پیشـانی‌اش می‌چسباند. جایز نیسـت که کودک را در این شرایط رهـا کنیم. کودک بی‌تاب را به بیمارسـتان می‌بریم. این نخستین باری اسـت که ریزه‌بانو در بیمارستانی پا می‌گذارد. حتـی برای زایمان هم به بیمارسـتان نیامـده. پـری‌گُل در خانـه، در یک شـبِ سـخت، درحالی‌که پدرش غرق در افیون بود، به ضَرب و زورِ تسکینِ دود، به همیاری ساقی‌ایِ که در آن شبِ تلخ قابله شده بود، به دنیا آمد. پری‌گُل بر تخت اورژانس خوابیده اسـت که دکتر با عکسی که از پای او گرفته می‌آیـد و می‌گویـد نـه از بلندی‌افتـادن و نه هیچ تصادف دیگری پای این کودک را چنین نمی‌شـکند. این پا به قصد و عمد با ضربه‌ای دهشت‌بار شکسته است. ریزه‌بانو سر پایین می‌اندازد و می‌گوید «هر بار که پری‌گُل در خانه می‌دود، پدرش با او همین رفتار را می‌کند. همیشـه دخترم از زمین بلند می‌شد؛ اما این‌بار...». متوجه می‌شـویم کـودک‌آزاری مداوم در وخیم‌ترین شـکلش در آن خانه برقرار است. پزشک می‌گوید باید پای بچه را جا بیندازم و این بسـیار درد دارد و باید او را بی‌هوش کنم و برای انجام بیهوشی، «قانونا» رضایت پدر لازم است. این چه قانونی است؛ پدری که درد بی‌درمان فرزند است، باید به درمانش رضایـت دهد؟ بحث و جدلمان با بیمارسـتان برای بیهوشـی بدون رضایت پدر، سودی ندارد. می‌دانیم کـه پدرش نمی‌آیـد و بیاید هم رضایـت نمی‌دهد. آخر سر پزشـک بدون بیهوشی شروع به جاانداختن و گچ‌گرفتن پای کودک می‌کند. سریع‌تر بگرد ساعت سـخت سـرزمینم در این گچ‌پیچـی مظلومانه پای طفلـی بی‌پناه کـه تحمل ندارد. همـه می‌گرییم از گریسـتن و فریاد این مادر و کـودک... . بالاخره تمام شـد این تراژدی تلخ و به هر زور و زحمتی هسـت پری‌گُل را آرام می‌کنیم و بـا خود به خانه می‌بریم. کمی آرام‌تر شـده این طفل معصوم و ذوقِ سفیدی گـچ پایـش را دارد و لبخندش را از همـانِ ته درد، بدرقه تاریکی شـبمان می‌کند. به خانـه می‌آییم و اندکی می‌آساییم از حضورمان که همه عافیت برای خودمان نیسـت. تلفن زنگ می‌زند. کیست این وقت شب؟ ریزه‌بانوست که در پس‌زمینه گریه‌ها و ضجه بی‌امان پری‌گُل فریاد می‌زند «پدرش آمد خانه و گچ پای بچه‌ام را با چاقو و چکش و قندشـکن باز کرد». نه؛ این تراژدی یونانی نیسـت؛ واقعیتی است که هر شب در سرزمین من اتفاق می‌افتد.

بررسی توفان توییتری «#براندازم»

کلاه‌های بدون سر، سرهای بدون کلاه

امیر رشـیدی*: برای تحلیل این توفان توییتری از قطعه برنامه‌هایی استفاده شده است که با زبان برنامه‌نویسی پایتـون و بانـک اطلاعاتی SQLite نوشـته شـده‌اند و اطلاعات لازم از طریق توابعی که API توییتر به صورت رایگان در اختیار برنامه‌نویس‌ها قرار می‌دهد اسـتفاده شـده است. برای اطمینان پیداکردن از صحت داده‌های جمع‌آوری‌شده و تحلیل‌های آنها، اطلاعات حاصل‌شده را با داده‌هایی که ابزارهای آنلاینی شبکه‌های اجتماعی را تحلیـل می‌کننـد، تطبیـق داده شـدند. در نهایت، نتیجـه حاصل و داده‌های مورد مطالعه به وسـیله دو برنامه‌نویس، یک تحلیلگر شـبکه‌های اجتماعی، سـه خبرنگار مسـتقل سـاکن ایران و یک کارشناس سیاسی مستقل ساکن اروپا مورد بررسی قرار گرفتند.

مقدمه

مرادبیگ در جنگ با حسـام‌بیگ شکسـت خورده و مدتی اسـت که از صحرای خودش عقب‌نشینی کرده و با هویتی سـاختگی در کنار کوچ‌نشین‌ها زندگی می‌کند. حسام‌بیگ با خیال به‌چنگ‌آوردن آخرین دارایی‌های مراد به صحرای او می‌رود، اما با یک لشـکر روبه‌رو می‌شود. زمانی که هر دو گروه شـروع به تیراندازی می‌کنند، مراد متوجه می‌شود که لشـکر خیالی او فقط یک نفر است که تفنگ‌های زیادی دارد. به آدم‌هایش دستور آتش‌بس می‌دهـد و می‌گوید: «تیرهاتـون رو در کردید اما اون یه نفره، اون کلاه‌ها هم خالیه، کله توش نیسـت». و ادامه می‌دهد: «این خودش یه نفره، اما تفنگش زیاده».

از روز بیسـتم دی‌ماه ۱۳۹۶ موجی در توییتر راه افتاد که وجه مشترک همه آنها استفاده از #براندازم بود. این هشـتگ در طول مدت دو هفته، یعنـی تا تاریخ چهارم بهمن‌مـاه ۱۳۹۶ بیـش از ۱۴۰ هزار توییـت را به خود اختصـاص داد که از این تعـداد ۱۰۸ هزار آن ریتوییت و بیش از شـش هزار آن پاسـخ به توییت‌های دیگر بود. موج راه‌افتاده با این هشتگ در سوم بهمن‌ماه به سمت هشـتگ #چی_دادیم_چی_گرفتیم تغییـر کرد که این تغییر فقط یک تغییر در گفتمان مطرح‌شـده نبود، بلکه از نظر ساختاری و روش فعالیت نیز تغییراتی چشمگیر داشت.

توییت‌های هشـتگ #برانـدازم عمدتا با خشـونت کلامی زیادی همـراه بودند. این توییت‌ها سـیدمحمد خاتمی، رئیس‌جمهور سـابق ایران، را هـدف قرار داده بودند و به نظر می‌رسـید که در واکنش به بیانیه مجمع روحانیون مبارز شکل گرفته‌اند. مشارکت‌کننده‌ها در این توفـان توییتری عمدتا خاتمی را هدف قرار داده بودند و با یک نگاه این‌طور به نظر می‌رسید که مشارکت‌کننده‌ها در ایـن توفان، که در برخی رسـانه‌ها از آنها به صورت عموم مردم ایران یاد شـده اسـت، نه‌تنها از اصلاحات عبور کردند، بلکه خواهـان براندازی نظام موجود ایران نیز هسـتند. اما آیا برای تحلیل اتفاق‌ها در شـبکه‌های اجتماعی یک نگاه کافی اسـت؟ آیا حسام‌بیگ در میان گردوخاک ناشی از شلیک‌های پیاپی اسلحه‌ها توانست بفهمد با چه چیزی در حال جنگ اسـت؟ پاسخ به این سؤال در یک کلمه است؛ خیر.

نگارنده ضمن آنکه اعتقـاد جدی و محکمی مبنی بـر انعکاس صداهـای مختلف مردم و خواسـته‌های آنها در شـبکه‌های اجتماعی دارد و اعتقاد دارد که باید این صداها را بیشـتر از هر چیز دیگری جدی گرفت، این نکته را یادآور می‌شـود که تحلیل داده‌ها در شبکه‌های اجتماعی چیزی نیسـت که با یک نگاه بتوان انجام داد؛ همان‌طور که حسـام با یک نـگاه نفهمید با چه چیزی در حال جنگیدن است. بزرگ‌ترین مشکل در شبکه‌های اجتماعی این است که ما عموما داده‌های در دسترس را می‌بینیم. درحالی‌که برای تحلیل یک رویداد در شـبکه اجتماعی مانند توییتر به تحلیل عمیق‌تر و بیشترخواندن چند پست نیاز است. در بررسی داده‌ها در بازه زمانی ۲۰ دی‌ماه ۱۳۹۶ تا اول بهمن ۱۳۹۶ بیش از ۱۴۰ هزار توییت با هشتگ «براندازم» منتشر شد که بیشترین میزان پست در تاریخ ۲۷ دی با تعداد ۴۹هزار و ۷۰۰ توییت را به خود اختصاص داد.

در توییتـر چند نوع پسـت، شـامل توییت (پسـت معمولی)، ریتوییت (بازنشـر توییت) و ریپلای (پاسـخ) برخـورد می‌کنیـم. درباره این هشـتگ و در همان بازه زمانی بیشـترین توییت‌ها به‌ترتیب در کشـورهای ایران، انگلستان، کانادا، اتریش، فرانسه، آلمان، استرالیا، هلند، سوئد و سـوئیس و بیشترین پاسـخ‌ها از نظر موقعیت جغرافیایی به‌ترتیب مربوط به کشورهای ایران، اتریش، سوئد، سـوئیس، هلند، آلمان، کانادا، استرالیا، فرانسه و انگلسـتان بود و در این میان بیشـترین شهرهایی که در این توفان توییتری مشـارکت داشـتند، به‌ترتیب عبارت از تهران، لندن، شـیکاگو، شهر کبک، ونکوور، آمستردام، سیدنی، برلین و پاریس بودند.

از هشـتگ در شـبکه‌های اجتماعی مانند توییتر که امکان استفاده از آن وجود دارد، برای شناساندن پیام‌ها روی یک موضوع خاص استفاده می‌شود. در کنار هشتگ اصلی همیشه هشتگ‌های فرعی نیز شکل می‌گیرند که با بررسی آنها می‌توان دریافت کرد که سازمان‌دهنده‌ها و مشارکت‌کننده‌ها در یک توفان توییتری چه نوع پیام‌هایی را درباره چه موضوعاتی قصد داشتند منتقل کنند.

درباره هشتگ #براندازم می‌توان سه موضوع اصلی را شناسایی کرد، که به‌ترتیب میزان استفاده عبارت‌اند از:

۱. برنامـه بعدی: با توجـه به اینکه هشـتگ‌های دوم و سـوم مورد اسـتفاده در این توفـان توییتری به‌ترتیب #قیام_بهمـن و #تظاهرات_سراسـری بودنـد، به نظر می‌رسـید افرادی که در راه‌اندازی و نه اسـتفاده از این هشتگ مشـارکت کردند، تصمیم داشتند تا در بهمن‌ماه اعتراضات سراسری دیگری را نیز برنامه‌ریزی کنند.

۲. اهداف و خواسـت‌ها: با توجه بـه اینکه #BanIRIB (به معنی تحریم صداوسـیما) سومین هشتگی بود که بیشترین استفاده را در این توفان توییتری داشت، می‌توان به این موضوع پی‌بـرد که برگزارکننده‌هـای این توفان توییتری به صورت گسترده درخواست تحریم صداوسیما از سوی دولت آمریکا را نیز مطرح می‌کردند.

۳. نگـرش سیاسـی: در بین همه هشـتگ‌های مرتبط فقط دو نام که نشـان‌دهنده گرایش سیاسی افراد است، به چشـم می‌خورد. ابتدا هشـتگ «#RezaPahlavi» و پس از آن هشـتگ «#خاتمی_خفه_شو» که از عبارات استفاده‌شده در این هشتگ‌ها می‌توان فهمید که افرادی که از هشتگ اول استفاده کردند، اگر حامی رضا پهلوی نبودند، حداقل سـمپات فرزند دومین پادشاه از سلسله پهلـوی در ایران بودند. همچنیـن از عبارت «#خاتمی_خفه_شـو» می‌توان دریافت که اسـتفاده‌کنندگان این هشـتگ از مخالفان جدی پنجمین رئیس‌جمهور ایران بودند، گرچه این هشتگ جز هفته اول، به شکل گسترده مورد استفاده نبود؛ به‌بیان‌دیگر تا اینجا می‌شود دریافت که بخـش زیادی از مشـارکت‌کننده‌ها در این هشـتگ حامیـان سـلطنت پهلـوی و مخالفـان اصلاحات در ایران بودند، گرچـه این همه حمایت‌ها و مخالفت‌ها با شخصیت‌ها و گرایش‌های سیاسـی نیست و در بخش «توییت‌کـردن اخبار جعلی و اطلاعـات غلط» گرایش سیاسی دیگری را که به‌شدت مورد استفاده بود، بررسی خواهیم کرد.

نکته شـایان توجه اینجاسـت که تحلیل‌های اولیه ناظـران و خبرنگاران از این توفـان توییتری، حمله‌های شـدید به محمد خاتمی، رئیس‌جمهور پیشین ایران، را اعلام می‌کرد، اما تحلیل هشتگ‌های مرتبط با این توفان توییتری نشـان از آن داشـت که این موضـوع تقریبا از آخرین اولویت‌های سازمان‌دهندگان و مشارکت‌کننده‌ها در این توفان توییتری بود.

نقش روبات‌ها

روبات‌هـای تبلیغاتـی سیاسـی حسـاب‌های نیمه‌خـودکار یا خودکار در توییتر هسـتند کـه خود را به‌عنوان انسان واقعی نشان می‌دهند و محتوای سیاسی قطبی را منتشـر می‌کنند. آنها اغلب محتوای دیگران را بازپخش (Retweet) می‌کنند تا محتوای خودشان را به اشتراک بگذارند.

بـرای بررسـی حسـاب‌هایی کـه مشـکوک بـه «بـات» بودنـد، از فاکتورهایی که از سـوی وب‌سـایت botcheck.me معرفی شده اسـت، استفاده کردیم که عبارت‌اند از:

۱.تاریخ ایجاد:

بیشـتر از ۲۷ درصد حسـاب‌های کاربری که در این توفـان توییتری فعال بودند، در روزهـای منتهی به این توفان توییتری ایجاد شـدند و در اولین فعالیت‌های آنها نشر و بازنشر گسترده توییت‌هایی است که با این هشتگ ارسال شده‌اند.

۲.تناوب توییت:

نقطـه مشـترک تمـام حسـاب‌هایی کـه رفتاری غیرانسانی داشتند، تناوب ارسـال پست در فاصله‌های زمانی کوتاه است؛ به‌طوری‌که در برخی موارد، در طول یک روز بیش از هزارو ۵۰۰ توییت به شکل بازنشر منتشر کـرده که ۱۷ درصد آنهـا با فاصله زمانـی یک دقیقه، ۱۱ درصـد بـا فاصله زمانـی دو دقیقه، هشـت درصد با فاصله زمانی سـه دقیقه بوده اسـت. برای بررسـی دقیق‌تر می‌توان فاصله زمانـی را به کمتر از یک دقیقه نیز کاهش داد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بخش زیادی از این حسـاب‌های کاربری با فاصله‌های زمانی کمتر از یک دقیقه فعالیت داشـتند و همه فعالیت‌های آنها در بازنشـر (ریتوییت)کردن توییت‌های سایر کاربرانی که از این هشتگ استفاده می‌کردند، خلاصه شده است.

برای بررسـی دقیق‌تر ۲۹ حسـاب کاربری که دارای رفتـار باتی بودنـد و همچنین بیشـترین اثرگـذاری در فراگیرشـدن این هشتگ را داشـتند، مطالعه کردیم. در بیشـترین مورد، یکی از این بات‌هـا تعداد ۴۳۶ توییت را در فاصلـه زمانی یک دقیقه منتشـر کرد و همان‌طوری که در نمودار زیر مشاهده می‌شود بیشترین فعالیت این حساب‌های کاربری در فاصله زمانی بین یک تا دو دقیقه صورت گرفته اسـت؛ به عبارت ساده‌تر، این حساب‌های کاربـری که همگی جـزء اثرگذارترین حسـاب‌ها در این توفان توییتـری بودند، در فاصله‌هـای زمانی یک تا دو دقیقه بیشترین تعداد توییت را ارسال کردند که همه آنها از نوع بازنشر یا ریتوییت بوده است. ارسال توییت متن و عکس در فاصله زمانی کم و به تعداد زیاد، کار یک کاربر عادی نیسـت، بلکه با توجه به فاصله‌های زمانی‌ای که از الگوی خاصی پیروی می‌کنند، می‌شـود به این نتیجه رسید که یک ماشین این پست‌ها را ارسال کرده است.

با توجه به نوع بازنشـربودن فعالیت آنها، می‌شـود دریافـت کـه هـدف اصلی ایـن حسـاب‌های کاربری فراگیرکردن هشتگ مورد نظر است.

۳.توییت‌کردن اخبار جعلی و اطلاعات غلط:

زمانی نه‌چندان دور این شبکه‌های خبری و بنگاه‌های رسانه‌ای بزرگ بودند که براساس آموزش‌های آکادمیک تصمیـم می‌گرفتند چـه موضوعی بایـد به‌عنوان خبر انتخاب شود و براساس دستورات تحریریه خود آن را به خبـر اول تبدیل کنند و روی آن انواع مانورهای خبری را بدهند.

پس از روی‌کارآمدن شبکه‌های اجتماعی اما، انحصار رسانه‌ای شبکه‌های خبری عملا زیر سؤال رفته است. این شـرایط در کشورهایی که در آنها ضعف رسانه‌ای وجود دارد و مردمان آنها به رسانه‌های اصلی آن کشور اعتماد ندارند، بسیار پیچیده‌تر می‌شود، به‌طوری‌که رسانه‌های اجتماعی عملا به منبع اصلی خبری شـهروندان تبدیل می‌شوند.

در توفان توییتری مورد بحث اثر بی‌اعتمادی به منابع خبری داخل ایران و همچنین عدم اطلاع‌رسانی درست و دقیق درباره رخدادها در مناطق دور از شهرهای مرکزی، عاملی برای مانور خبری و نشر اخبار نادرست بود.

به‌عنـوان نمونه در بیـن اثرگذارتریـن توییت‌هایی که باعث بیشترپخش‌شـدن هشـتگ «براندازم» شـد، توییت کاربری با نام مسـتعار «پسر باد» بود که ویدئویی ۱۲ثانیه‌ای با عنوان «عصر دوشـنبه دوم بهمن/ اعتراض مردم بلوچ و حمله با سـنگ به پاسگاه دلگان» منتشر کـرده بود که بیـش از هزارو ۸۰۰ بار دیده شـده و خود توییت نیز تا بیش از صد بار بازنشـر شده بود. تحقیقات از منابع محلی نشان می‌دهد که درگیری مذکور نه برای براندازی که در واکنش به بازداشـت تعدادی قاچاقچی مواد مخدر صورت گرفته بود.

خبـر ایـن درگیـری در گروه‌هـای واتس‌اپـی در سیستان‌وبلوچسـتان منتشر شـده بود اما هیچ‌کدام از رسانه‌های رسـمی و محلی این خبر را پوشش ندادند. براسـاس گـزارش ایـن گروه‌های خبـری علت اصلی درگیری نه براندازی که واکنش به مجروح‌شدن دو زن در درگیری بیـن مأموران مبارزه با مواد مخدر و قاچاقچیان بـود. خبر این درگیری در حداقـل دو گروه واتس‌اپی در سیستان‌وبلوچسـتان انعکاس داشـت و منابع محلی این خبر را نیز تأیید کردند. عدم واکنش درسـت و نشـر دقیـق خبر و علت درگیری، دانسـته یا ندانسـته باعث شعله‌ورشدن آتش این توفان توییتری شد.

ادامه در صفحه ۱۳

صحنه مقابله صفربیک با افراد حسام‌بیگ از فیلم «روزی روزگاری»

نگاه

عروسک‌های سلبریتی جایگزین مجسمه‌های شهری

رضا صمدانیان .هنرمند تجسمی

● المان‌های شـهری نشـانه‌هایی از شـخصیت شـهر را به نمایش می‌گـذارد و همان‌گونه که در سیمای شـهر خودنمایی می‌کنند، هویت آن شهر را نیز برملا می‌کنند. میان سـازندگان و شهروندان رابطه‌ای دوسـویه برقرار اسـت. هر اثر، به همان میـزان که حضـورش را تحمیل می‌کنـد، زیر بار نـگاه مخاطب و در کنار سـایر عوامل محیطی در شکل و محتوا تغییر می‌کند. این رابطه دوسویه از پیش از تولید شروع و در تمام سال‌های حضورش ادامه خواهد داشت.مجسمه‌ای در انتهای اتوبان چمران، نزدیک میدان توحید، انسـانی غول‌پیکر را به نمایش گذاشـته که بالش به سر کشیده است. تجسـم انسـانی که از فشـار جانکاه ماشین‌ها به ستوه آمده اسـت. هنرمند به‌گونه‌ای هوشمندانه با مخاطـب خود همدردی می‌کنـد اما به‌تنهایی حریف فضای پرتنش منطقه نمی‌شود. بدتر اینکه نمونه‌هـای زیاد دیگـری در مقام المان شـهری وجود دارند که هر چه او بافته است، پنبه می‌کنند. یکی از آنها درسـت در میان فضای سـبز حاشیه اتوبان حقانی است. عروسکی شبیه به ماشین‌های اسـباب‌بازی که به‌خاطر موقعیـت مکانی و رفتار غیرمنتظره به یکی از سـوژه‌های سلبریتی (بسیار مشـهور) تهران تبدیل شده است. سؤال مکرر: این چرا اینجاسـت؟ ما عادت داریم رخدادهایی را که از افق تشـخیص ما دور شـده است، بی‌پاسخ رها کنیم. اما این سؤال همواره تکرار خواهد شد. فارغ از هرگونه بحث درباره مدیریت شـهری، سؤال را با تفسـیر بیشـتری مطرح می‌کنم. چرا و چگونه پیمانکار و مجری طرح زیباسازی شهر به این نتیجه رسـیده است که در حاشـیه اتوبان، قراردادن یک عروسـک اتومبیل می‌تواند مناسب باشد؟!سازنده با اتکا به تجربه دیداری خود به این انتخاب رسیده است. بیشـترین تجربه تصویری شـهروند تهرانی همیـن انبوه ماشین‌هاسـت. محـدوده انتخاب و اندیشـیدن هـم از آن عبور نکرده اسـت. به‌ویژه که در مقام لفاظی و توجیه، سـازنده می‌تواند به «همخوانی با محیط» هم اشـاره کنـد! به لحاظ اجرائی برای هر بیننده‌ای هویداسـت که سـازنده با بهره‌گیـری از تصـور انتزاعی خود از سـاخت یک اتومبیـل واقعی عبور و بـرای الهام‌گرفتن به اسباب‌بازی‌های درجه سـه و پلاستیکی مراجعه کرده است. نمونه‌های این چنینی زیاد است؛ مانند پنکـه یا نقاشـی تصویر سـاختمان روی دیوارها. به‌همین‌ترتیب می‌توان الگـوی رفتاری متصدیان و مجریان تولید چنین المان‌های شـهری در اجرا، انتخاب سوژه، مشـخصه تاریخی، ارتباط با فضای اطراف و... را بررسـی کرد.این نمونه‌ای اسـت از حرکـت روبه پاییـن جریانات فرهنگی کشـور که مثل آب جاری می‌شـود و در سـرازیری هر طرف که راهش باز شـود می‌چرخد. اما این هنر اسـت که باید مسیر آب را هدایت کند، مثل درخت ریشه کنـد، آب را از زمین بیرون بکشـد، درون تنه خود بالا ببرد و به شـاخه‌ها برسـاند. آن‌وقت سـبزی برگ‌هایـش چشـم‌نوازی می‌کنـد و نهایتا در یک اکوسیستم سالم، فرهنگ شـکوفا می‌شود و میوه شیرین خواهد داد. متأسفانه حرکت روبه پایین در یک دهه گذشـته سـرعت گرفته است. حداقل به لحـاظ کمی، میزان مواجهه یـک هنرمند با چنین بدسـلیقگی‌هایی در سطح شهر به نسبت بیشتر از انتشار آثار اوست.

ادامه در صفحه ۱۳

جدول ۳۰۴۱ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- راستگویی- فیلمی مهیج به کارگردانی جاناتان دمـی با بـازی آنتونـی هاپکینـز ۲- پرجنب‌وجوش- سـتارگان- یار عذرا ۳- یادداشـت- اسـتخوان دیواره قفسـه سـینه- نمایش‌نامـه‌ای از فدریکـو گارسـیا لورکا- خانـدان ۴- عارفان- خـرده- کندن علف‌های هـرز ۵- عریضه‌نویس- سرشـت- از الفبای فارسـی ۶- به‌دسـت‌آوردن- موی پیچیده- ازهم‌پاشـیده ۷ - خبرگزاری ایران- کنترل‌کردن- دعای پس از رکعت دوم نماز ۸ - شـرح بی‌آغاز!- خاکستر - ویران‌کننده- آقای آلمانی ۹- همیشـه- درخشـنده روی- هدایت‌کننده ۱۰- روشـندل - رود ارس- صـوت اندوه و افسـوس ۱۱- فرومایـه- چاق- کهـن و قدیمـی ۱۲- تجربه‌ای برای پیروزی اسـت- از آلات موسیقی - کندزبان ۱۳- کجاسـت- محل آموزش اسب‌سـواری- یکی از سـه حالت ماده- یازده ۱۴- قتل سیاسی- شهر بدون خیابان ایتالیـا- نام تعدادی از فراعنه مصـر قدیم ۱۵- بندری معتبر در ایالات متحده آمریکا- حزب سیاسی کوچک.

عمودی:

۱- آفریننده- چشم به آخر برج دارد- شانه، دوش ۲- اولین پزشک متخصص ریه در ایران ۳- پیش‌درآمد آشـغال- چوب مصنوعی نازک- شهرستانی در استان قزوین- آزاد ۴- از پیامبران الهی- لطافت- زن گندم‌گون ۵- گلخن حمام- لگام- پیمـان تجارت آزاد آمریکای شـمالی ۶- پرنده‌ای زیبا و خوش‌آواز- اذیت- سـیمی با ولتاژ صفر ۷- فراموشـکار- بخـش مهم و اصلی- از فرماندهان شـوروی سـابق در جنـگ جهانی دوم بود ۸- شـهر توت- جاندار- پارسای دیرنشین- حرف دهن‌کجی ۹- زن زیبا - به پارچه می‌زنند تا براق شـود- بخش‌ها ۱۰- سـوغات گجرات- فرماندهان- سخنوران ۱۱- دوستی - خیاط سال‌های دور- درگذشت ۱۲- رونق - مقدار کمی از غذا- جاسـوس و خبرچین ۱۳- نشـانه جمع فارسی- پول چین- عید کریسمس- مکمل زیبایی رو ۱۴- هنگامی به کار مـی‌رود که رویدادی نامطلوب با ویژگی‌های قبلی تکرار شـود ۱۵- کمترین- نقاشی روی شیشه- عبادت‌کننده.

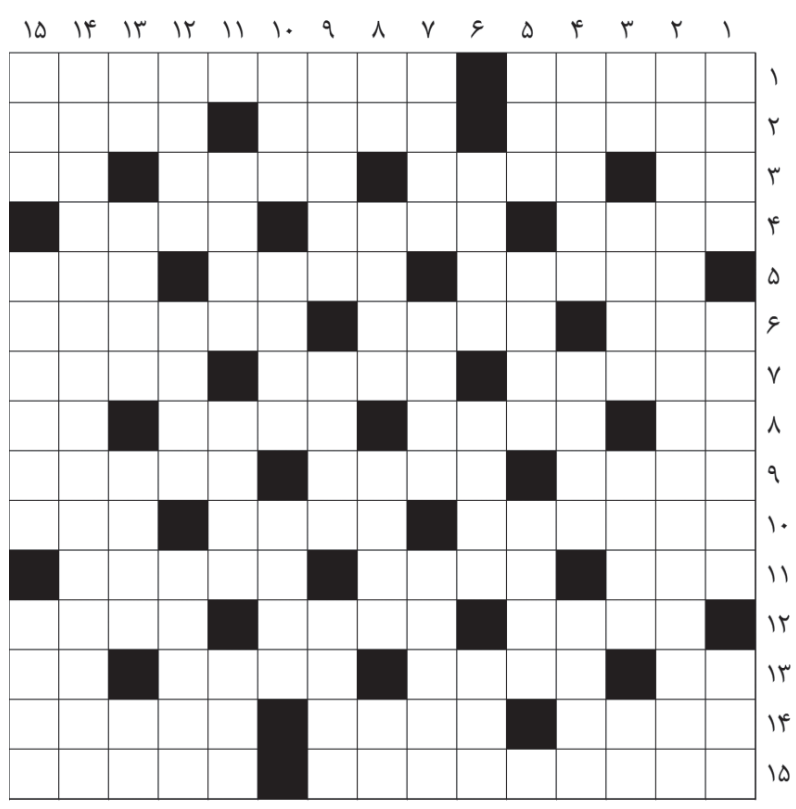

حل سودوکو سخت

۵	۱	۹	۳	۸	۷	۲	۴	۶
۶	۸	۳	۹	۲	۴	۷	۵	۱
۲	۴	۷	۵	۶	۱	۹	۳	۸
۷	۲	۸	۱	۵	۳	۶	۹	۴
۳	۹	۱	۶	۴	۲	۸	۷	۵
۴	۵	۶	۸	۷	۹	۱	۲	۳
۸	۷	۴	۲	۱	۵	۳	۶	۹
۹	۶	۲	۴	۳	۸	۵	۱	۷
۱	۳	۵	۷	۹	۶	۴	۸	۲

حل سودوکو ۲۰۳۶

۲	۳	۸	۷	۴	۵	۱	۹	۶
۹	۵	۶	۸	۲	۱	۴	۷	۳
۱	۴	۷	۳	۶	۹	۵	۸	۲
۳	۸	۲	۶	۷	۴	۹	۱	۵
۵	۷	۱	۲	۹	۸	۶	۳	۴
۶	۹	۴	۵	۱	۳	۸	۲	۷
۸	۲	۵	۱	۳	۶	۷	۴	۹
۴	۶	۳	۹	۸	۷	۲	۵	۱
۷	۱	۹	۴	۵	۲	۳	۶	۸

جدول ۳۰۴۰

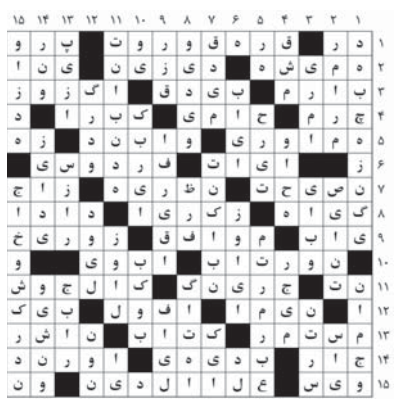

سودوکو سخت ۲۰۳۷

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

							۱	۵
		۱		۴				
	۵	۳			۲		۶	
			۶		۹	۲	۸	
۷			۸		۴			۳
	۴	۸	۲		۱			
	۲		۱			۸	۳	
				۲		۷		
۱	۸							

سودوکو ساده ۲۰۳۷

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

				۱				
			۲			۱	۴	
۷	۱				۸	۵	۶	۲
۲						۸	۹	۷
	۹			۲			۳	
۱	۷	۸						۴
۶	۲	۱	۴				۷	۵
	۵	۷			۶			
				۵				